هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

سرمقاله

نشست صلح خواهانهٔ روم «گروه بین المللی تماس افغانستان»

ص۲

منادیان دروغین حقوق بشر

ص۵

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ بیست و هفتم ۸ عقرب ۱۳۸۹ ۲۲ ذوالقعده ۱۴۳۱ - 30 oct 2010

اعتراف خطرناک رئیس جمهور



شورای عالی صلح و نقش استاد ربانی

ص۳

در چندروز اخیر ماجرای کمک ایران به دفتر ریاست جمهوری افغانستان، سرخط اخبار رسانه های داخلی و خارجی را به خود اختصاص داد. این موضوع ابتدا در گزارشی منعکس شد که روزنامهٔ نیویارک تایمز آنرا به نشر سپرد.

برمبنای این گزارش، در هنگام سفر احمدی نژاد به کابل، دو بسته پول به دفتر ریاست جهموری سپرده شد که یکی از این دو بسته متعلق به رئیس جمهور و دیگری سهم داود زی رئیس دفتر رئیس جمهور بود.

رئیس جمهور کرزی در اعتراف به دریافت این پول گفت که ایران سالانه یک یا دوبار به دفتر ریاست جمهوری افغانستان کمک می کند. کرزی در مورد مقدار این کمک ها نیز توضیح داد که این پول به شکل ایرو پرداخت شده و این کمک کاملا شفاف است. وی از کمک های ایران در این زمینه سپاسگزاری نمود.

کرزی که در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با امام علی رحمان رئیس جمهور تاجیکستان سخن می گفت علاوه کرد که اینگونه کمک ها را کشورهای دیگر هم به ما کرده است و من در این مورد در کمپ دیوید با رئیس جمهور سابق امریکا جورج بوش هم صحبت کرده بودم.

وی در جواب سوالی گفت که امریکا هم کیسه های پول به افغانستان کمک می کند اما نطاق قصر سفید این گفتهٔ کرزی را رد نمود و گفت از زمانی که اوباما به قدرت رسیده است، پول در کیسه به کسی داده نشده است و ما پول را به افغانستان از طریق سیستم بانکی انتقال می دهیم. اما جالب است که وقتی از وی برسیده شد که آیا همه ارگان ها در امریکا پول را به افغانستان از طریق بانک ارسال می دارند، رابرت گیتس

ص۲

روز جهانی ملل متحد و اهمیت آن در جهان و افغانستان

ص ۶

د کرزي دولت بيا هم د اداري فساد له مخكښانو څخه (!)

ن شفيق

د ملگرو ملتونو كلني راپور په گوته كوي چې زمونږ هيواد په اداري فساد كې د ښكېلو هيوادونو په لست كې په دوهم نمبر كې قرار لري . دا راپور پداسي حال كې خپريږي چې له نږدې يوه كال مودې راهيسې د كرزي له دولت څخه . نړيواله ټولنه او په سر كې د امريكا ولسمشر په جدي توگه غوښتنه كوي چې په دولت كې د خپور اداري فساد مخه ونيسي، ورنه دولت به يې مشروعيت له لاسه وركړي .

خو د كرزي دولت لوړ پوړو ماموړينو او پخپله كرزي هم وخت پروخت دغه نيوكه ردكړيده او وايي چې كه د افغانستان دولت په اداري فساد كې ښكيل دی نو دهغې ډېره برخه : بلكې اتيا سلنه يې هغه نړيوالې موسسي هرپ ترپ كوي چې بهرني هيوادونه خپلې مرستې د هغوې په لاس كې وركوي او هغوي يې په خپله خوښه لگوي .

د ولسمشر كرزي له دولت څخه دغه غوښتنه هغه وخت جدې بڼه غوره كړيوه چې كله ""اوباما" د واك گدی ته له رسيدلو وروسته افغانستان ته د لومړي خل لپاره سفر وكړ او نوموړي دخپل هيواد

۶مخ

سفر امام علی رحمان به کابل و چشم انداز روابط دو کشور همسایه



* اندیشه *

امام علی رحمان رئیس جمهور تاجیکستان روز دوشنبه تاریخ ۳ عقرب سال روان وارد کابل شد. وی در مدت اقامت دو روزه، پنج توافقنامه را در عرصه های منابع آب دریای آمو، تجارت، ترانزیت، انرژی و آب، گردشگری و نورم و استندرد با همتای افغانستانی اش به امضا رساند. رؤسای جمهور دو کشور با تأکید به همکاری های دوجانبه چشم انداز روابط دو کشور را مهم خواندند.

حامدکرزی رئیس جمهورکشور گفت: طی نه سال گذشته حجم تبادل کالا های بازرگانی میان افغانستان و تاجیکستان چندین برابر شده است. امام علی رحمان نیز داشتن روابط را با افغانستان پر اهمیت خوانده، افزود: اکنون روابط ما با افغانستان در سطح عالی قراردارد. آنگونه که عنوان شد هدف اصلی سفر ریاست جمهوری تاجیکستان، گشایش ساختمان جدید سفارت آن کشور در کابل بود، اما طوری که گفته اند "با یک تیر چند فاخته" هدف اصلی سفر رئیس جمهور تاجیکستان مهمتر از آنچه است که ظاهراً عنوان گردید. همه می دانند که افغانستان و تاجیکستان همسایگانی هستند که علی رغم مشترکات دینی، زبانی، تاریخی و فرهنگی طی کمتر از یک قرن روابطی در سطوح بالا نداشتند.

نداشتن رابطهٔ تنگاتنگ بر می گشت بر ساختار حکومت تاجیکستان و پیوند آن کشور به اتحاد جماهیر شوروی سابق که روسیه حرف نخست را به نمایندگی از سایرین در روابط خارجی می زد. تاجیکستان کشوری که ۷۰ سال تحقیر شده بود، اکنون دنبال ایجاد روابط با دنیای بیرونی از جمله کشورهای همسایه می باشد که درآن بازیگر اصلی در تحکیم روابط بیرونی خودش باشد. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این کشور استقلال خود را در سال ۱۹۹۱ باز یافت و برای نخستین بار جمهوری اسلامی ایران استقلال آن را به رسمیت شناخت. از آن سال ها به بعد افغانستان و تاجیکستان بنا بر مشکلات داخلی که داشتند، نتوانستند با یکدیگر روابط گسترده تر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد نمایند.

جنگ داخلی تاجیکستان توأم با جنگ های تحمیلی و قدرت طلبانه در داخل افغانستان بود. سرازیر شدن سیل آوارگان تاجیکی به افغانستان در دهۀ نود و ادامهٔ درگیری ها منجر به تیره شدن روابط سیاسی و اقتصادی دو ملت گردیده بود. هرچند در آن زمان دولت مرکزی افغانستان از جنگ های داخلی تاجیکستان حمایت نمی کرد، اما

ص۳

کمیسیون بررسی شکایات انتخاباتی، آرای ۳۶ محل رای دهی را به علت تخطی انتخاباتی باطل اعلام کرده است

ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

نشست صلح خواهانهٔ روم

« گروه بین المللی تماس افغانستان »

به منظور ختم جنگ و خونریزی و آمدن صلح و ثبات در کشور، طی سه دههٔ اخیر، مردم ما شاهد نشست های صلح خواهانه در داخل و خارج کشور بوده اند که همه این صداها، بیانگر آن است تا دامن نا امنی و ترور و وحشت از این کشور برچیده شود و باشدگان آن بتوانند در فضای فارغ از جنگ و خشونت حیات به سر برند.

در پی نشست های صلح خواهانه، به تاریخ ۲۷ میزان سال جاری نشستی زیر عنوان « گروه بین المللی تماس افغانستان » در شهر روم پایتخت کشور ایتالیا دایر گردید. در این نشست نمایندگان ٤٦ کشور جهان و نمایندگانی از سازمان کنفرانس اسلامی، ناتو، اتحادیهٔ اروپاو سازمان ملل متحد، شرکت داشتند، از همه مهمتر این که نمایندهٔ جمهوری اسلامی ایران که در کنفرانس های قبلی در ارتباط به افغانستان و همچنان در کنفرانس لندن و کابل به عنوان اعتراض علیه امریکا شرکت نکرده بود، در این نشست حضور داشت.

مسایل مورد بحث این نشست سپردن امنیت افغانستان از نیروهای خارجی به نیروهای پولیس و اردوی ملی افغانستان بوده که باید تا سال ۲۰۱٤ میلادی این امر تحقق یابد.

در کنفرانس بین المللی کابل که در ۲۹ سرطان امسال در کابل پایتخت افغانستان دایر گردید، اشتراک کنندگان از گرفتن مسوولیت امنیتی توسط نیروهای افغانستان در سال ۲۰۱٤ حمایت کردند. اما به تعقیب آن بارک اوباما رئیس جمهور امریکا و دیوید کامرون صدراعظم بریتانیا گفتند که خروج نیروهای شان را از افغانستان در سال ۲۰۱۱ آغاز می کنند.

گمانه زنی های وجود دارد که در سال های ذکر شده نیروهای خارجی افغانستان را ترک نخواهند گفت. زیرا در حالی که زمزمه های خروج در نشست ها و کنفرانس ها سر زبان هاست، دیده می شود که امریکا سی هزار نیروی اضافی می فرستد. مخالفان مسلح دولت هم آمدن صلح و ثبات در کشور را منوط به خروج نیروهای خارجی از کشور وانمود می کنند.

ما، در حالی که نقش کشورهای اسلامی و کشورهای ذیدخل در قضیهٔ افغانستان را نادیده گرفته نمی توانیم و آنرا در حل معضلهٔ افغانستان مفید می دانیم، به این باور هستیم که نقش کشورهای همسایه نیز در آوردن صلح و ثبات در کشور برجسته می باشد. در صورتی که این کشورها صادقانه عمل نمایند، مبرهن است ثبات در کشورما پیاده خواهد شد. نباید فراموش کرد که ثبات و بی ثباتی همسایه، به همسایه اثر گذار است.

صلح ضرورت کشور های در حال جنگ است. هر کشور و نهاد و شخصی که در این راستا گام بر می دارد و دلسوزانه عمل می کند تا از این حالت نجات یابیم، به دیدهٔ قدر می نگریم و از آن استقبال می کنیم. با ایجاد شورای عالی صلح در کشور، مردم افغانستان بیش از همه چشم امید به این شورا به رهبری استاد برهان الدین ربانی دوخته اند تا از این طریق و تلاش های صلح جویانهٔ شان، شاهد ختم جنگ و تأمین امنیت و تحکیم صلح در کشور باشند.

اعتراف خطرناک رئیس جمهور

وحید مژده

ادامه از صفحهٔ اول

محتاطانه گفت که معلومات من در مورد همین است.

در این شکی نیست که بعضی از کشورها به سیاستمداران در کشورهای دیگر کمک می کنند و هدف از این کار اینست تا منافع خود را در آن کشور محافظت نمایند. در گذشته کشور های پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحدهٔ عربی، هندوستان و ایران به پرداخت پول به شکل فزیکی و در بسته و بکس هم به طالبان و هم به مخالفین آنان متهم بوده اند. در مورد کمک ایران به دفتر ریاست جمهوری هرچند این شایعه از مدت ها قبل وجود داشت اما اعتراف آقای کرزی به این مسئله با توجه به حضور امریکا در افغانستان و روابط پر تشنج میان آن دو کشور، عکس العمل های زیادی را برانگیخت و حربهٔ خوبی به دست مخالفین کرزی داد.

صاحبنظران این مسئله را از زوایای مختلف مورد ارزیابی قرار داده و آن را یک اشتباه خطرناک از جانب آقای کرزی دانسته اند. گرفتن پول از یک کشور خارجی برای استفادهٔ شخصی از جانب رئیس جمهور در هر کشوری جرم، حتی در سطح خیانت ملی به حساب می آید. هرچند آقای کرزی عکس العمل در برابر این موضوع را به فرمان خویش در مورد منع فعالیت کمپنی های امنیتی رابطه داده است. اما این توجیه هم چیزی از سنگینی مسئله نمی کاهد.

در این اواخر موضوع بسته شدن کمپنی های امنیتی خصوصی در افغانستان نیز روابط میان رئیس جمهور کرزی و قصر سفید را زیر فشار قرار داده است.

چند ماه قبل زمانی که رئیس جمهور از سفر به ایران بازگشت، فردای همان روز موضوع شرکت های امنیتی خصوصی را به عنوان یک چالش فراراه تامین امنیت در افغانستان مطرح کرد. به نظر می رسد که زمان اعلام این تصمیم نیز در قصر سفید سوال برانگیز بوده است.

مدت هاست که امریکا به نقش ایران در افغانستان به نظر شک می نگرد و از نقش منفی آن کشور در افغانستان سخن می گوید اما حکومت آقای کرزی همیشه این گفته ها را رد نموده و از کمک ایران در بخش بازسازی افغانستان تمجید کرده است. در حالی که نیروهای خارجی از مداخلهٔ ایران در افغانستان سخن می گویند و بارها مدعی ارسال سلاح به مخالفین مسلح حکومت افغانستان از جانب ایران شده اند اما حکومت افغانستان هیچگاه به صورت رسمی این ادعا را تائید نکرده است. اکنون به نظر می رسد که امریکایی ها حربهٔ خوبی یافته اند تا به آن وسیله حامدکرزی را زیر فشار قرار دهند. پخش این خبر در امریکا نیز می تواند رئیس جمهور کرزی را در افکار عمومی به عنوان یک دوست بی وفا که به امریکا از پشت خنجر زده است، معرفی نماید. ایران ده ها سال است که در ذهن مردم امریکا به عنوان یک دشمن معرفی شده و در القای این ذهنیت رسانه های نزدیک به اسرائیل از جمله نیویارک تایمز نقش مهم ایفا کرده اند.

اما امریکا می داند که در شرایط فعلی یافتن جانشینی برای کرزی کاری دشوار است. حامد کرزی با زرنگی در طول سال های گذشته تمام چهره هایی را که ممکن بود جانشین احتمالی برای وی تلقی گردند، از صحنهٔ سیاسی حذف نموده و اپوزیسیون سیاسی را نیز به چند پارچه تقسیم کرده که استفاده از پول های ایران در این رابطه بی تاثیر نبوده است. امریکا که نمی تواند چالش جانشین کردن شخص دیگری به جای کرزی را در شرایط حساس کنونی پذیرا گردد، تلاش دارد تا کسانی را که گمان می رود رابط وی با ایران اند، از صحنه حذف نماید.

محمد عمر داود زی که قبلا به حیث سفیر افغانستان در تهران ایفای وظیفه نموده و اکنون در مقام مهم ریاست دفتر رئیس جمهور ایفای وظیفه می نماید کسی است که بیش از هرکسی در این دفتر به رئیس جمهور نزدیک است. داود زی سابقهٔ تماس با حزب اسلامی افغانستان به رهبری حکمتیار را نیز دارد و اکنون رسانه های امریکا وی را به فساد مالی هم متهم کرده اند.

از جملهٔ وظایف رئیس دفتر رئیس جمهور یکی اینست که او را هرروز صبح در جریان وقایع قرار دهد و تحلیل کوتاهی از وضع را به وی ارائه نماید. در مواردی که رئیس جمهور می خواهد، به وی مشوره بدهد. هرچند رئیس جمهور بیش از دو درجن وزیر مشاور هم دارد اما نقش این وزرا بیشتر تشریفاتی است و کمتر مورد مشوره قرار می گیرند و حتی با گذشت ماه ها بسیاری از آنان حتی فرصت دیداری با رئیس جمهور را نمی یابند. نقش داود زی در دادن مشوره به رئیس جمهور بسیار مهم است. داود زی از جمله کسانی است که به قول رئیس جمهور با آدامهٔ کار کمپنی های خصوصی امنیتی نیز مخالف بوده و این مخالفت خود را پنهان نکرده است.

مدتی قبل در داخل ارگ شایع بود که قرار است داود زی به حیث نمایندهٔ خاص افغانستان به پاکستان فرستاده شود و رابط میان افغانستان و پاکستان باشد. مقامی که بالاتر از رتبهٔ سفیر خواهد بود. به نظر می رسد که از همان موقع کسانی در صدد بودند تا داود زی را که ظن ارتباط با ایران بر وی می رفت، از کنار کرزی دور سازند. این کار مراحل نهائی خود را می پیمود که حامدکرزی در تصمیم خود تجدید نظر نمود. دلیل این تجدید نظر مشخص نشد.

راستی این دفتر ریاست جمهوری چگونه جایی است که امریکا به آن به نظر شک می نگرد و از قبل در صدد بوده است تا آن را در ذهن مردم افغانستان تضعیف نماید؟ چند ماه قبل رسانه ها در امریکا از ارتباط ضیا صالحی یکی از کارمندان ارشد شورای امنیت ملی با سازمان سیا خبر دادند و اکنون هم رئیس این دفتر را به نزدیکی با ایران متهم کرده اند؟

در دفتر رئیس جمهور افرادی با طرزفکر های گوناگون با سابقه های متفاوت گرد هم آمده اند که هرکدام از طرف یک جهت مهم معرفی شده اند. تضاد های درونی و رقابت های منفی در داخل این دفتر هر چندگاه یکبار موجب حذف افرادی و جانشین شدن افراد دیگری در این اداره می شود. تاکنون در موارد متعددی اسرار این دفتر توسط کسانی که نام شان افشا نشده به بیرون درز نموده و رسانه یی شده است. البته در مجمعی از تناقضات فکری و منافع مادی، این کار غیرعادی نیست.

حالا آنگونه که رئیس جمهور مدعی است رابطهٔ کمپنی های خصوصی امنیتی را با این مسئله چگونه می توان توجیه کرد؟ طوری که می دانیم صاحبان این کمپنی ها هم در داخل افغانستان و هم در خارج از شخصیت های مهم و صاحب نفوذ اند. عاید حاصله از این کمپنی ها سالانه به حدود یک میلیارد دالر می زند. از همان زمان که رئیس جمهور کرزی مدت چهار ماه ضرب الاجل برای بستن این کمپنی ها تعیین کرد، فشارها بر وی افزایش یافت.

مسئلهٔ کمک ایران به دفتر ریاست جمهوری که از قبل مشخص بود و در این شرایط به این دلیل رسانه یی شد تا کرزی تحت فشار قرار گیرد. به نظر می رسد که این فشار بجا و به موقع صورت گرفت و موجب شد تا رئیس جمهور این فرمان را که زیاد هم روی آن تاکید داشت، دو ماه دیگر به تعویق بیاندازد. پس استفاده از این حربه که برای زمان خاص و به منظور خاص در زیررف نگهداشته شده بود، موثر ثابت شد.

اما کمک ایران به رئیس جمهور در طول سال های گذشته تاثیراتی روی اوضاع سیاسی در داخل افغانستان داشته است که می توان آنرا اخلال روند مردم سالاری در کشور به نفع رئیس جمهور خواند. ناگفته پیداست که این پول از طریق رسمی به افغانستان داده نشده تا رئیس جمهور در مورد چگونگی مصرف آن به مرجعی جوابگو باشد. مسئله فقط این نیست که چرا رئیس جمهور این پول را قبول کرده بلکه موضوع مهم اینست که وی از این پول به چه منظور استفاده کرده است؟ بدون تردید هدف ایران این بود تا موقعیت کرزی را در برابر زورگویی های امریکا تقویت نموده و به وی این امکان را فراهم آورد تا از موضع قدرت در برابر خودسری های آن کشور در افغانستان اعتراض نماید. با توجه به نگرانی ایران از حضور نیروهای امریکایی در افغانستان و فشار های امریکا و غرب بر ایران، این مسئله زیاد غیرعادی به نظر نمی رسد و کاملا در مطابقت با تعریفی است که ایران از منافع ملی خود دارد.

اما به دست اوردن پولی که درمصرف آن هیچ محدودیتی وجود نداشته به رئیس جمهور کشورما این فرصت را فراهم آورد تا از آن برای خرید وفاداری اعضای پارلمان، کمک به کاندیداهای مورد نظر در انتخابات پارلمانی، ایجاد انشعاب در صف اپوزیسیون و حتی کمپاین خودش در انتخابات ریاست جمهوری استفاده نماید که همهٔ این موارد نقص آشکار قانون اساسی کشور به شمار می اید در حالی که از وظایف مهم رئیس جمهور یکی هم صیانت از همین قانون اساسی است.

اکنون که رئیس جمهور به عنوان شخص اول این کشور به دریافت پول اعتراف کرده و مصارف، آن را نیز شفاف خوانده است، لازم است که این شفافیت را با تشریح وجوه مصرف تشریح نماید تا مشروعیت نظامی را که از قبل زیر سوال است، به چالش های بیشتری مواجه نسازد.

شورای عالی صلح و نقش استاد ربانی

رحمت الله بیژنپور

هرگاه بخواهیم تعریف روشنی از سیرتحول شخصیت پروفیسور استاد برهان الدین ربانی درنیم سدهٔ پسین ارائه دهیم، می توان ایشان را در چند جملهٔ کوتاه به دیگران چنین آشنا ساخت:

پروفیسور استاد برهان الدین ربانی، دین باور و مجاهد برآمده از دانشکدهٔ شرعیات (استاد دانشگاه کابل)، سپس دانشجوی دانشگاه جامع الازهر مصر، با پایان نامه تحصیلات عالی فوق لسانس و نامزد دکترای فلسفهٔ اسلامی، موسس و رهبر جمعیت اسلامی، چهرهٔ فعال و مهم در جهادومقاومت مردم افغانستان، نخستین رئیس جمهور نظام اسلامی طی ده سال، نمایندهٔ مردم بدخشان در پارلمان، رئیس و موسس " جبههٔ متحد ملی" (نخستین اپوزیسیون سیاسی حکومت افغانستان)، رئیس و گردانندهٔ جرگهٔ ملی صلح افغانستان و اینک رئیس شورای عالی صلح افغانستان برای آینده است.

من تلاش خود را بر آن گماردهام تا اشاراتی داشته باشم دربارهٔ مهارت های سیاسی و نقش رهبری استاد ربانی درسهمگیری ونقش آفرینی برای مبارزهٔ مناسبتر وبهتر با بحران عمومی افغانستان.

استاد ربانی همواره در جستجوی یافتن تسلط بر خویشتن است، اگر از حب و بغض بگذریم، موصوف را می توان هشیارترین رهبر تنظیمی و فعال ترین سیاستگر رادیکال؛ با تمایل به انعطاف، متمدنانه ساختن روش های مبارزاتی در نهضت اسلامی و نیز در رقابت های سیاسی برای دستیابی به مدیریت در افغانستان، دانست.

استاد ربانی، در زمرهٔسیاستمداران هوشمند وبا سنجش سیاسی در حوزهٔ مبارزات نیروهای معطوف به هوادار برپایی نظام اسلامی در افغانستان می باشد. به درستی آشکار است که، ایشان دورهٔ شتاب ایدیولوژیک و احساسات برخاسته از شدت بیگانه ستیزی و دشمن باوری را در دوران جهاد با خشونت کمتر از دیگران، پشت سرنهاد. شماری از رهبران در نهضت اسلامی، همواره او را به سازشگری و انعطاف محکوم می نمودند. از او قاطعیت کشنده تری می خواستند .

سیاست های انعطافی و روشهای آرام وزیرکانهٔ استاد ربانی، از گذشتهٔ دورتر تا امروز، سیر تحول مهمی را بر می تابد، او به عنوان رئیس دولت اسلامی در دورهٔ تسلط مجاهدین درکابل (سال های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵، با بخش بزرگی از نیروهای شامل در جهاد اسلامی افغانستان که عبارت از اعضای شورای هماهنگی (حزب وحدت اسلامی، حزب اسلامی حکمتیار و جنبش ملی اسلامی) بود، درگیر جنگ سنگین و فرسایشی گردید.

من به عنوان شاهد و گاه میانجی در آن جنگ ها، سیاست آن دوره را دست کم در برابر جامعهٔ هزاره و جنبش ملی که شامل نیروهای وابسته به دشمنان خارجی در کشور نبودند؛ نا سودمند، ناپخته، زیانبار، غیر سیاسی و تعصب آمیز می دانم. عامل آن جنگ ها هرچه بود، اما یک مسأله را آشکارمی سازد که هنوز تبعات بد آن پیش آمدهای ناگوار، بر چهره ی غمگین مردم ما سایه افگنده است. سلیقه و ترجیح مصلحت های گروهی بر مصالح ملی و منفعت کشوری، امری بود مشهود! پاکستان نیز با استفاده از این اشتباهات در بر اندازی پایه های اساسی ساختار نظام، آتش کینه وستیز را، با حمایت مستقیم حزب اسلامی و دوام مذاکره مخفی با طرفهای ضد حکومت مجاهدین، شعله ورترساخته بود.

من باور دارم که استاد ربانی خود نیز رویداد های سیاسی دودهه پیش را، مورد انتقاد قرار میدهد. برای همین گفتیم که سیر تحول اندیشه و روشهای سیاسی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان نسبت به گذشته بسیار مشخص و انعطافی است. فراموش نکنیم که رهبران دیگری که درخط سیاست افغانستان قراردارند، کمتر تحول یافته اند و یا اصلاً متحول نشده اند. نفس تحول در اندیشه و برخورد شخصیتها از هوشیاری و زمانه شناسی آنان نمایندگی میکند، اگر برای گریز از پذیرفتن حقیقت و انکار از اشتباه همواره به صورت جزمی و دگم نسبت به برخی اصول و اساسات سیاست در کشور برخورد شود، لابد مردم همیشه دشمن آن سیاستها خواهند بود.

مهمترین مسأله دراین زمینه روشهای انعطافی و پذیراشدن واقعیتهای سرسخت اجتماعی در افغانستان است. استاد ربانی با سنجشگری هوشمندانه و پرداختن به مسأله مردم، نه تنها خودرا از زیر اتهامات دول غربی و مخالفان نهضت های رادیکال اسلامی نجات داده است، بلکه بخش مهمی از نیروهای جهاد و مقاومت را نیز به جایگهٔ امن و جرگهٔ تفاهم با مردم این سرزمین نزدیک نموده است. اقدامات کنونی و رواداری ایشان در زمینه استقرار صلح و ثبات سیاسی، غربیهارا وامیدارد تا ذهنیت گذشته خود نسبت به سرگذشت قدرت مجاهدین در افغانستان را باز نگری کنند.

پروسه صلح در افغانستان پیشینه و تاریخچه ی ناکام و ناخوشایندی دارد، استاد ربانی از آغاز دولت مجاهدین تا تسلط طالبان در کابل، از جنگ و گریز با طالبان تا شهادت زنده یاد احمدشاه مسعود و از استقرار دوباره دولت خویش در کابل - که انتقال قدرت به دولت سازمان ملل در این کشور را دربرگرفت- چندین بار نمونه های چنین شوری ها راشاهدبوده است.

اگر شورای عالی صلح بتواند برخی مشوره های مهم فرامرزی و ملی را در پیاده شدن برنامه های کار آمد و ترتیب منشور عمومی صلح برای افغانستان، در نظر بگیرد و اگر این شورا از ایفای نقش ابزاری در پیاده نمودن برنامه آشتی واقعی و عادلانهٔ مردمی و نه یک ابزار بازی ساده، بیک نهاد استراتژیک در سیاست گزاری ارتقا دهد،خواهد توانست دولتهای آینده را نیز سروری و در حالات بحرانی رهبری نماید.

برای اطمینان خاطر هواداران و راهیان زنده یاد احمدشاه مسعود و روانشاد استاد علی مزاری -که در پروژه جنگ پاکستان علیه مردم و نظام سیاسی در کشورما، قربانی شدند- باید عرض کنم که ازنظرمن پنجاه درصد بحران در آنزمان زادهٔ غفلت های خود ما می باشد. ناسازگاری آنان در برابر هم، ناشی ازضعف سیاسی برخاسته از تشدد و نا عاملانگی بود. اگر آنها می توانستند حساسیت اوضاع را درست درک کنند و انرژی مشترک را در براندازی برنامه های پاکستان معطوف دارند، امروز وضع مملکت بدین خرابی نمی بود وهم این شورا برای مذاکره با دشمنان آنها برپا نمی گشت. پس به قول ناصر خسرو:

چو خودکرده ی اختر خویش را بد
مدار از فلک چشم نیک اختری را

بدیهی است که دولت آقای کرزی بیشترین تلاش را برای ابقای نظام سیاسی و حاکمیت خویش انجام میدهد. درمقابل آنانیکه قهر بسیار دارند و زورکم؛ به هیچ اقدامی دست نمی زنند و با بدبینی ، جز بیان ناخورسندی و شکایت از بخت، بانوعی پوپولیسم هورائی، به هیچ ابتکاری دست نمی زنند. هرگاه چنین است،پس انتظار معجزه را نیزنباید داشت.

باورم اینست که نگاه اعتراضی و نقد را بسوی خود معطوف داریم ، ضعفها و شکستهای خودرا مشخصتر بررسی کنیم. اگر همیشه در بند بحث داشتن بزرگان و قهرمانان بمانیم و بدان وسیله احساس حضور پیداکنیم، سرچشمه های اعتماد به نفس و درایت و مهارت سیاسی ما می خشکد. بی سیاستی همین است که، قهرمانان ما را یاخود کشتیم ویا خود برای کشتن آنها زمینه ساز شدیم. بیاد داشته باشیم که داریوش کبیر را فرماندار هرات کشت تا اسکندر از او خورسند شود!

نقش نهاد صلح درنهایی کردن جنگ:

این شورا میتواند ظرفیت های بزرگی را با در میان نهادن رهنمودها، آئین نامه ها و طراز نامه مناسب سیاسی، پس از بررسی روشن و حقیقت باورانه در زمینه ی بحران امنیت، بحران مشروعیت، بحران مدیریت، بحران هویت، بحران فرهنگی و بحران اعتماد، فراهم آورد.

افغانستان در شرایط کنونی بیشتر محتاج سرد سازی شعله های تنش وپرهیز از براندازی دیگر اندیشان است. برداشتن مرزهای نفرت نسبت به هم و دوری ازعدم پذیریش همدیگر، از اولویتهای مهم جامعه ماست.

درک ماهیت پروژه ی باز گشت به صلح، مارا وادار به دقت سیاسی بیشتر در باره ی حصول توافق و اصول مذاکرات طرفین در گیر در سیاست های وابسته به منافع ملی مینماید، طرفداری از اندیشه پیشبرد دیالوگ با مخالفان دولت، تقسیم بندی اپوزیسیون به گروههای پیرو گفتمان و تفاهم در بستر مشارکت ملی، بایکات یا فراوردهای خشونت و تمامیت خواهی، قرار دادن نیروهای سیاسی در برابر گزینش روشهای متمدنانه و برعکس فرار از اندیشه و عمل تروریستی، بخشی از منشور صلح برای افغانستان خواهد بود. ص ۷

سفر امام علی رحمن به کابل...

فضایی ایجاد شده بر سر قضیهٔ جهاد افغانستان با اتحاد شوروی سابق، گروه های زیادی را که بیشتر شان شهروندان کشورهای عربی آسیای میانه بودند، شورانیده راهی دیار سبز تاجیکستان می نمود. این گروه ها در تبانی نیروهای اسلامگرای تاجیکستان به هدف شرکت در جنگ های مقدس یعنی جهاد از طریق مرز افغانستان وارد قلمرو آن کشور می شدند. ادامهٔ درگیری های داخلی در آن کشور در چند سال محدود، آسیب های فراوانی را به دولت و مردم تاجیکستان وارد کرد، که کشته شدن ده ها هزار تاجیک، ویرانی های فراوان و مهاجرت هزاران تن از مردم آن کشور را در بر می گرفت. ادامهٔ ویرانی ها در تاجیکستان مسوولیت های سنگینی را متوجه دولتمردان آن روز گار افغانستان می نمود. وضعیت ناگوار مهاجران تاجیکی در داخل خاک افغانستان و ادامهٔ جنگ در هر دو کشور، سران دولت اسلامی افغانستان را واداشت تا به جنگ داخلی تاجیکستان راه حلی را جستجو نمایند.

استاد برهان الدین ربانی رئیس دولت اسلامی وقت و احمد شاه مسعود قهرمان ملی کشور صمیمانه تلاش نمودند تا صلح و آشتی میان تاجیکان برقرار شود و به جنگ شهروندی آنها خاتمه دهند. درپی گفتگوهای صلح میان مخالفان به رهبری سید عبدالله نوری رهبر نهضت اسلامی و دولت به رهبری امام علی رحمان طرفین توافق نامهٔ را در تخار افغانستان در حضور استاد ربانی و شهید احمد شاه مسعود به امضا رساندند که این توافقنامه برگشت آبرو مندانهٔ آوارگان تاجیکستان را تضمین نموده بود. با عقب نشینی دولت اسلامی از مرکز به شمال روابط افغانستان با تاجیکستان توسعهٔ بیشتر یافت، همانگونه که رهبران دولت اسلامی افغانستان در ایجاد صلح و ثبات با تاجیک ها کمک نموده بودند، دولت تاجیکستان در روزهای دشوار در کنار مردم افغانستان و جریان مقاومت ایستاد و در برابر تروریزم بین المللی از مرز های خود و از داعیهٔ برحق مردم ما دفاع نمود. اکنون امام علی رحمان به کابل آمده است تا پیامی را به دولت مردان ما بگوید که ملت تاجیکستان در روز های دشواری که شما با تروریزم درگیر بودید در کنار شما مشترکاً از استقلال و تمامیت ارضی افغانستان نیز دفاع نموده است.

سقوط رژیم فاشستی طالبان نقطهٔ عطف در ایجاد روابط سایر کشورهای جهان از جمله تاجیکستان بود. روابط دو جانبه بر مبنای اصول و مشترکاتی استوار است که به طور طبیعی ملت ها را باهم پیوند می دهد. تاجیکستان کشوری است که هنوز از ناحیهٔ افغانستان احساس مصئونیت نمی کند. نوسانات مرزی بر سر موضوع قاچاق مواد مخدر، نفوذ تروریست های کشورهای آسیای میانه و شهروندان فریب خوردهٔ تاجیک به داخل قلمرو آن کشور از خاک افغانستان، دغدغه هایی است که هنوز دولت و ملت تاجیکستان نگران آن اند.

بدون شک افزایش نا امنی ها در شمال کشور، همسایگان ما را نگران ساخته است، امام علی رحمان طی این سفر گفت، امنیت افغانستان امنیت تمام منطقه است. مقامات تاجیکستان بیم از تکرار حملاتی دارند که چندی پیش توسط تروریست ها در منطقهٔ رشت دو کیلومتری دوشنبه پایتخت تاجیکستان به وقوع پیوست. نگرانی ها و در عین حال انتظار همسایه های شمالی از ما در حالی صورت می گیرد که نیروهای امنیتی افغانستان قادر به جلوگیری از شر توسعهٔ تروریزم نشده و با گذشت هر روز حتی مناطقی که در گذشته از امنیت کامل برخوردار بودند، بی امن می شود.

موقعیت جغرافیایی افغانستان بیانگر آن است، در صورتی که امنیت در این منطقه تأمین شود کشورهای آسیای میانه از جمله تاجیکستان می توانند روابط تجارتی خود را با کشورهای عربی از طریق بندر خلیج و آسیای میانه تأمین نموده و از این رهگذر سود های کلان اقتصادی را به دست بیاورند. همانگونه که علامه اقبال لاهوری گفته است:

از فساد او فساد آسیا   از کشاد او کشاد آسیا

بررسی بُعد اخلاقی انتخابات ۲۷ سنبلهٔ امسال

«حدیثِ جهانِ رنگ»



* نوشتهٔ عبدالحسیب *

پیر پیمانه کش من که روانش خوش باد
گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان

(حافظ)

انتخابات پارلمانی ۲۷ سنبلهٔ سال روان (۱۳۸۹) ـ که انتظار برده می شد راه اندازی آن توأم با شرکت مسئولانه و با شکوه مردم درجهت گزینش نخبگان باشد- اختتام پذیرفت و سرانجام بر اساس نتایج اولیه یی که ازسوی کمیسیون مستقل انتخابات اعلان گردید، تعدادی به عنوان برنده و تعدادی دیگر، حذف شده ازصحنه، وانمود شد.

با توجه به اینکه این مسأله از بُعد اخلاقی نیز قابل بحث وکنگاش است، بناءً این قلم برآن شده تا نگاهی دراین مورد داشته باشد.

ولی قبل ازآن لازم می دانیم تا گفته آید: در جریان راه افتادن کمپاین انتخاباتی، پیشداوری ها و گمانه زنی ها دال بر این بود که تعدادی از چهره های نخبه ومطرح، بنا به دلایلی از جملهٔ داشتن لیاقت، صداقت، اهلیت ، نفوذ وخوش نامی در میان مردم، وارد پارلمان خواهند شد! چهره هایی که ازنظر بسیاری ها پشتوانهٔ محکم و متین استقلال و لنگر ثبات کشور محسوب می شدند و برای ایفای خدمت بهتر وتحقق آرمانهای والای مردم، ثبات وپایداری کشورو رفع نابه سامانی ها و ریشه کن شدن فسادهای گسترده،دارای تعهد راستین شناسایی شده بودند.

اما نتایج منتشرشده نشان می دهد که قضیه برعکس آن است. دیده می شود مرغ سعادت را، بر بامِ بختِ بعضی از نامزدهایی گذر افتاده،که هرگزتصوری مبنی برقرارگرفتن شان درسرفهرست "برنده ها!"، در ذهن نمی روئید!

توجه بایدداشت اشارهٔ بالا هرگز به مفهوم این نمی باشد که ادعا گردد، درمیان کسانی که درسکوی موفقیت فرارآمده اند، شخصیت هایی دارای اوصاف متذکره به نظرنمی خورند! نه، هرگز این طور نیست ؛ بلکه برخی ازآنها ازچنین ویژگی ها برخوردارهستند، اما جای دریغ اینجاست درمیان آنها (اعم ازکسانی که قبلاً درپالمان راه یافته بودند ویاکسانی که جدیداً برای کاندیدا شدن واردمیدان شده بودند) چهره های برازندهٔ فراوانی را می شناختیم که می توان ادعا کرد،کامیابی شان منتج به بلند رفتن جایگاه مجلس نمایندگان می گردید.

نکتهٔ اساسی اینجاست: انتخاباتی که به هدف گزینش چهره هایی برای راه یافتن به مجلس نمایندگان راه افتاد، توقع برده می شد تا مردم کشورما به صورت عام و قشرآگاه وفهمیده به طورخاص متوجه مسئولیت خطیرشان باشندو دراستعمال آرای شان جانب احتیاط ودقت را برگزینندکه هدف اساسی انتخابات پارلمانی، تعیین سرنوشت مردم در جامعهٔ امروز به عنوان یک نماد روشن حاکمیت ملی و مردمسالاری است و در میان نهادهای حکومتی به عنوان مظهر ارادهٔ ملت در حاکمیت بر سرنوشت خود شان محسوب می گردد.

موضوعی که عنوان شد، ایجاب درد دل کردن بیشتر را می نماید که اینجا با اشاره یی که از آن شد، بسنده می کنیم و خامه را می جولانیم پیرامون موضوع دیگری که به اخلاق واندیشه وتربیهٔ اسلامی ما رابطهٔ تنگا تنگ دارد.

موضوعی که بایدصفحهٔ سیاه دیگری از"حدیث جهان رنگ"ش خواند!

به این مفهوم: طوری که شاهد بودیم، درجریان کمپاین ودربحبوحهٔ دیدوبازدیدهای نامزدان، متاسفانه حرکاتی ازبرخی افراد به مشاهده رسیدکه نه تنها می توان آنرا خیلی ها تأثربار خواند، بلکه یکی ازنشانه های نا به هنجاری و ضد اخلاقی جامعهٔ ما نیز به شمارآورد.

این نابه هنجاری، درتعریف دیگر تعاملاتی است ضد راستی و درستی که پدید آورندهٔ بحران درمیان اجتماع است و موجب خلق بی اعتمادی بین احاد ملت!

تعاملاتی که اگردرجهت مثبت آن به کار گرفته شود، انسان می تواند به وسیلهٔ آن در ستیغ رشد و تعالی و سعادت و بالندگی عروج کند. پدیدهٔ ارزشمندی که با تأسف زیاد می توان در جامعهٔ کنونی ما از آسیب دیدگی آن سخن راند! چنانچه این قلم در صدد سخن راندن پیرامون ان است !

بیاییم موضوع را صریح تر پی گیریم:

چنانچه می دانیم، یکی از روش های قبول شدهٔ کمپاین انتخاباتی برای نامزدها، تلاش در راه جلب آرای مردم، تعمیم وگسترش دید و بازدید ها با گروه ها، به خصوص اشخاص صاحب نفوذ، اعم ازعلمای دینی، اشخاص خبیر، دانش آموختگان، جوانان و افرادی دارای پایگاه های اجتماعی و قومی، می باشد:

در جریان انتخابات یادشده، دیدیم که تعدادی با داشتن امکانات و توانایی های مالی، قادر به جلب و جذب افکارمردم، بالاخص طبقات کم در آمد جامعه و حاجتمندان شدند. درمقابل، عده یی از نامزد هایی که از استطاعت قابل ملاحظهٔ مالی برخوردار نبودند، بامشاهدهٔ گرمی بازار چنین تماس ها و ارتباطات، آنهم بیشتر از طریق تطمیع پول و اعطای هدایای گوناگون و...، ناگزیر شدند تا از این مسابقات به عقب نیفتند. لذا یکی ازموثرترین کاربرد هایی که ازنظر آنها می توانست کارسازتمام شود، همانا افتادن به فکر دریافت امکانات از راه های مختلف، منجمله فروش جایدادهای شخصی و یا قطعه زمینی که دراختیار داشتندو... ، بود .

عده یی هم به پندار اینکه بعد از پیروزی خواهند توانست به رفع مشکلات شان پرداخته و کمبودی های شان را تلافی کنند، دست برای اخذ وام به سوی این و آن دراز کردندو در زیربارسنگین وکمرشکن قرضه ها قرارگرفتند...!

اینک وارد اصل موضوع می شویم و آن همانا شناسایی چهره های دو رو است، یا گروهی که متأسفانه بیشتر از هر زمان دیگر توانستند از این جریان و یا به قول خود شان «شانس طلایی» بهره برگیرند و جیب وانبان پُرسازند، گروهی که مثلاً با صرف چای صبح در منزل یکی از کاندیداها، هزار نوع وعدهٔ دروغین به وی سپرده وضمن دریافت تحایفی گرانبها، چاشتگاه خود را نزد کاندیدای دیگری می رساندند تا پس ازچریدن از خوان کاندیدای دیگر، به وی نیزداستان های ساختگی بسازندو دربدل اعطای وعده های مملو ازکذب و قول و قرارهای آمیخته با فریب، تحایف ومبالغ دیگری را به دست آورند!

تا جایی که معلوم می شد آنها، با اینگونه دیدارهای پلان شده و دادن وعده های فریبنده، هیچ یکی از کاندید ها را ازقول وقرارِ بی اعتبارِ خود محروم نساخته بودند! بل تقسیم اوقات شان طوری عیارشده بودکه به اساس آن باید صبحگان به خانه یک نامزد سر می زدند و چاشتگاهان درمنزل نامزد دیگر، و بدینگونه سعی خودرا برآن مبذول می داشتند تا شب را به مهمانسرای کاندیدای سومی بگذرانند وبه همین ترتیب روزهای دیگررا در خانه های چهارمی وپنجمی و...دهمی وبیستمی و...! تاهمهٔ آنها را با همان ترفندها و چرب زبانیها و دروغ ها بفریبند بالوسیله هم پول ازآنها بستانند وهم سوغات های گوناگون فرا چنگ آورند!

جالب اینجا بود، هرگاه رفتن این اشخاص نزد کاندیدای دیگر افشا می شد، ازآن انکارصورت نمی گرفت ، بلکه با چشم سفیدی می گفتند: با فلان و بهمان نیز دیدار داشته اند، اما پیوند ایشان با این کاندیدا، (کاندیدایی که ازقضیه آگاهی یافته) صادقانه است و با دیگران استوار بربنای فریب واغفال!

و می افزودند: هدف ما از چنین اغفال کردن ها لنگ ساختن پای تلاش حریفان شماست وسرانجام سرازیرساختن آرای مردم تنها به نفع شما!

عده یی از این قماش شارلاتان ها گاهی با گرفتن چهرهٔ حق به جانب چنان موفق به گول دادن برخی ازنامزد هاشده بودندکه ازاثرآن کاندیدای بیچاره تصور می کردگویا طایر اقبال به بام دیگری غیراز بام بلنداو نشست نخواهد کرد و کامیابی جز از رکاب وی بوسه نخواهد زد!

لازمهٔ چنین دل خوش کردن ها و خوشبینی ها آن شده بودکه بسیاری از نامزدها در فکر تدارک سوغات های بیشتر و هدایای گرانبها تری ازقبیل لنگی های رنگارنگ حریری و چپن های پرزرق و برق ابریشمی و هدیه های گرانقیمتی چون موترسایکل ها، موبایل های تلفون و کمپیوترهای لب تاپ و ساعت های دستی و ...، در پهلوی خریطه های مملو از مواد غذایی، برای این وعده دهندگانِ هرجایی، بیفتند.

و اما کاندیدا هایی که توانایی مالی کمتری داشتند، درحیرت فرو رفته بودند درچنین فضای آشفته چه کنند؟ مسلم بود با این حاتم بخشی ها به رقابت پرداختن و با این کاروان سردرگم همسفر شدن کار دشواری هست. بااین هم با گرفتن قرضه های کمرشکن خود را مجبورمی دیدند تا وانمود سازند این تهیدستان را نیز همتی است ومی توانند با حریفان دست و پنجه نرم سازند! یعنی این ها نیز قادر به دادن هدایایی ـ هرچند کمتر از دیگران ـ هستند. اما اعطای تحایفی با این اوصاف، درکنار خود پیش کردن عذرو التماس وقبول گردن کجی ها را نیز نیازداشت. وگروهِ رأی فروش وفریبگر، ازاین نیز نیک آگاه بودندکه هرگونه ناز شان، خریدار دارد! لذا نه تنها برای یک نفر، بل برای بیشتر از ده، بیست، الی سی و... کاندیدای دیگر، رأی شخصی خود را فروخته و آرای (خیالی و یا واقعی) صدها نفر دیگررا به گرو گذاشته بودند! وبه مصداق مثل معروف محلی، پی آن افتاده بودندتا سر صدتن را تر و فقط یک سر را کل کنند!

وقتی که روز موعود فرا رسید، با دریغ در بسیاری از جاها دیده شد که "زر" هنوز نقش سازنده داشته و "زور" هم به سان آن اثر می آفریند و صدای آرا همچنان با غریو هراس افگن "زور" هماهنگ است، اما بدبختانه آنچه در این میان خیلی بی رمق است وکم رنگ، همانا نقش قلم است و نقش علم و فرهنگ!

قلمی که از زبان صاحبش با اندوه ژرف و درد سنگین می خروشد:

های مردم!

و آهای آنانی که ادعای مسلمانی دارید!

آیا می دانید که وعده خلافی چه قدر زشت است و فریب دادن چه اندازه قبیح وشرم آور ؟

آیا می توان کسی را که پای بند قول و قرار و پیمان نیست، متدین خواند؟ مگر آگاه نیستید که دساتیر اسلامی در این باب چیست؟

مسلماً چنین پرسش ها شرح مبسوطی می طلبد، هرگاه گفته نشود گاو غفلت فربه می شود و پیامدهای ناگوار درقبال دارد و فاجعه، عُمقِ بیشتر می یابد، فلهذا با قلب غمبار ولو به اختصار می افزودند:

نقض پیمان و بی اعتنایی دربرابر وعده و قرار، به معنی زیر پا گذاشتن معیار های اخلاقی است، معیار های شرعی و انسانی!

اصولاً از نظر اسلام کسی که پای بند به پیمان خود نباشد، نمی توان او را دیندار نامید. بناءً وفا به عهد لازمهٔ متدین بودن است، این بدان مفهوم است: کسی که به قول وقرار خویش پایبندی ندارد، نمی تواند مدعی ایمان باشد.

بحث مربوط به ارزش راستگویی وزشتی های بدقولی و پیمان شکنی و دروغگویی را با ارائه آیاتی از کلام مجید خداوند توثیق می بخشیم:

در آیهٔ مبارکی می خوانیم: **«ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمان ها وفا کنید». و در آیه مبارکهٔ دیگر: « آنها کسانی هستند که به عهد الهی وفا می کنند و پیمان را نمی شکنند».**

در آیهٔ مبارکهٔ دیگری خداوند دستور می دهد تا به عهد و پیمان خود پیوسته وفادار باشیم و بدانیم که در برابر خدا مسئولیم: **« به عهد الهی وفاکنید: آن چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده است تا متذکر شوید»**

و نیز می فرماید: « به پیمان های خود وفادار باشید. زیرا از پیمان ها سوال خواهد شد.»

قرآن عظیم الشان در باب اهمیت پیمان و پایبندی به آن ارشادات فراوانی دارد. از نظر این کتاب آسمانی بندگان راستگو کسانی هستند که شایسته ستایش بوده (آل عمران آیات ۱۵ الی ۱۷۰) و به عنوان یکی از معیار های انتخاب دوست و رفیق (نساً آیه ۶۹) وجداسازی انسان ها در قیامت (مائده آیه ۱۱۹) مطرح می باشد.

از همین سبب است که ایستادگی برسر عهد به عنوان اعتماد متقابل پشتوانهٔ فعالیت های هماهنگ اجتماعی و همکاری در سطح وسیع وانمود گردیده. هر گاه انسان

ص۷



منادیان دروغین حقوق بشر

سید عنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

نشر چهارصد هزار اسناد محرمانه جنایات بشری از طریق وب سایت ویکی لیکس در مورد عراق و افغانستان و وعده این پایگاه انترنیتی به نشر هزاران اسناد دیگر در پیوند به عراق و افغانستان که از طریق تلویزیون الجزیره به نشر رسید، وجدان های بیدار انسانی را در سراسر دنیا درهاله بهت زدگی و حیرت قرار داده و از خود می پرسند که آیا می شود بعد از این همه افتضاحات در کار کرد های قدرت های منادی دفاع از حقوق بشر، بازهم باور داشت که این فریاد های مدافعانه از حقوق بشر، برخاسته از عواطف انسانی بوده و یا اشک تمساح گونه ای است که برای شکار بیشتر سرازیر می شود اسناد منتشره ویکی لیکس در پیوند به جنایات عساکر اشغالگر در عراق و افغانستان، باز گوکننده این حقیقت است که میثاق های چهار گانه جنیوا و ضمیمه های آن در مورد حقوق اسیران، زخمی ها و اطفال و غیر نظامیان توسط نیرو های امریکا و ناتو هم زیر پا شده و برخلاف همه موازین مندرج در این میثاق ها، جنایاتی به تجربه گرفته شده که در واقعیت امر داغ ننگی است بر پیشانی قدرت های یکه تازی که به زعم خویش سرنوشت جهان را رقم می زنند.

نوزده هزار زندانی که در شانزده زندان به شمول زندان ابوغریب، محبوس اند در غوض انواع شکنجه ها قرار داشته و برعکس تمام زندان ها که در دنیا وجود دارند، اسیران جنگی با مجرمان جنائی در یک محل محبوس بوده و از هرگونه معامله های انسانی، محروم اند. گزارش های اخیر در ارتباط به زندان های مربوط به نیرو های ناتو به جز زندان بگرام انتشار یافته، خود گواهی دیگری است که بر این گونه اعمال وحشیانه ای که توسط جلادان خون آشام در افغانستان و عراق صورت می پذیرد.

سوال اساسی این است که این همه وحشت آفرینی، وحشی گری و قساوت های به کار گرفته شده توسط عساکر نیرو های اشغالگر در عراق و افغانستان از چه مبادی سرچشمه می گیرند که یک عسکر امریکائی زنان پاکدامنی را در عراق می رباید و عسکر دیگری معامله جنسی را با زندانیان مرتکب شده و افسر دیگری هم از مشاهده زندانیان به گونه برهنه لذت می برد و عساکر دیگری طفل شش ساله ای را به گونه توپ فوتبال در برابر چشمان پدرش به یک دیگر حواله می دهند و عساکری هم مربوط به نیرو های برتانوی، آتش زدن اجساد کشته شده گان در جنوب افغانستان را به تماشا می گیرند.

آری! این همه جنایات توسط عساکر قدرت هایی به نمایش گذاشته می شوند که همواره در چهره های اشخاص کمک کننده به نیازمندان، محکوم کنندهٔ خشونت ها و منادیان آزادی انسان و احترام به انسانیت او تبارز می کنند.

با مشاهده ارتکاب چنین اعمال وحشیانه توسط نیرو های اشغالگر از یک طرف و از طرف دیگر اعمال انسان گرایانه امریکائیان هنگام بروز مصائب طبیعی در این جا و آن جای دنیا که بسا جوانان جهان را شیفتهٔ خود نموده است تا آنان را در اجرای چنین اعمال انسان دوستانه، الگو قرار دهند، تفسیر های در مورد تحول لشکریان امریکائی از حالت انسان دوستی به چنین وحشی گری ارائه شده است که از آن جمله می توان به اصدار فرامین تعذیب و شکنجه توسط استخبارات نظامی امریکا، اشاره کرد.

بدون شک سرزدن چنین اعمال وحشیگرانه از طرف نیروهای امریکائی و عساکر اعضای پیمان ناتو در عراق و افغانستان، برخاسته از همان فکر سلطه جویانه محافظه کاران نو در سیاست امریکا است که بر خلاف فیصله همه دولت های جهان - مبنی بر این که تعصبات کورنژادی، مذهبی و زبانی خطر بزرگی را متوجه انسانیت کرده و منجر به اشغال جنگ و کشتار در جهان می شود - صورت پذیرفته است.

تفسیر دیگری که در پیوند به تحول عساکر امریکائی به چنین حالت وحشیگری می توان ارائه کرد این است که سلطه افکار سیاست ماکیاولستی بر سیاست جهان معاصر و عمل کرد های آن در عرصه های مختلف زندگی کنونی است که در رسیدن به اهداف، استفاده از هر عملی را مجاز و روا می شمارد.

این جا است که ماهیت این همه تظاهر به اعمال انسان دوستانه و بشر خواهانه و دفاع از حقوق بشر آفتابی گردیده و چهره های منادیان آن ها عریان و برملا می شود.

انتشار اسناد جدید از طرف پایگاه انترنیتی ویکی لیکس اگر از یک طرف ماهیت و چهره های منادیان آزادی و دفاع از حقوق بشر را افشا گری می کند، از جانبی هم دیگر حرف های این قدرت های به اصطلاح علمبردار آزادی و هومانیزم در ارتباط به نقض حقوق بشر و جلوگیری از گسترش سلاح هسته ای و خلع سلاح از تریبون های ملل متحد و سائر نهاد های بین المللی مخاطبی نخواهد داشت.

سکوت مرگ بار قدرت های غربی در برابر زور گوئی های اسرائیل که - البته وجود ضمیر های بیدار غرب در سطح افراد و گروه ها از این امر مستثناست - و راه اندازی هیاهو وغوغا ها از منابر جهانی در برابر فعالیت های دولت های بیرون از گردونه سیاست آنان، چون ایران و کوریای شمالی، دیگر صداقت این قدرت ها را در دفاع از آزادی و حقوق و ... زیر سوال برده و بشریت را در برابر یک سر نوشت نا معلومی قرار داده است که این دیوانگان قدرت های اتومی چه تراژیدی را نسبت به آینده بشریت ترسیم می کنند. این که ویکی لیکس به نشر همچو اسناد اقدام نموده خود گویای آن است که وجدان های بیدار در هر نقطه جهان موجود بوده و قدرت های زورگوی متکی بر آتش و آهن نمی توانند، اعمال ضد انسانی خود را در و رای حرف و بیانه های انسان گرایانه مخفی نگه دارند و روزی رسیدنی است چهره های واقعی قدرت ها عریان و مشت های آنان باز می شود.

کمیسیون بررسی شکایات انتخاباتی

آرای ۳۶ محل رای دهی را به علت تخطی انتخاباتی باطل اعلام کرده است

احمد ضیاء رفعت روز پنجشنبهٔ هفتهٔ گذشته در یک نشست خبری گفت: آرای ۳۶ محلّ رای دهی در ولایات کابل، خوست، غور، ارزگان، زابل، کندز و هرات به علت تخطی انتخاباتی باطل شده است.

به گفته وی، آرای ۶ محل در ولایت غور، ۴ محل در هرات، ۱۱ محل در زابل، ۳ محل در کابل، یک محل در کندز، یک محل در خوست و ۱۰ محل در ارزگان باطل شده است.

بنا به گفتهٔ کمیسیون شکایات انتخاباتی، تا اکنون نزدیک به شش هزار شکایت را از ولایات دریافت کرده اند. که از این تعداد ۲۵۰۰ شکایت در ردیف الف قرار دارد که به ۷۰ درصد آن رسیده گی شده است.

آقای رفعت افزود: دو تن از نامزدان در ولایات سرپل و بغلان که به فهرست نتایج ابتدایی انتخابات ولسی جرگه راه یافته اند، به علت عدم استعفای به موقع از پست های دولتی شان، از سوی کمیسیون شکایت های انتخاباتی از حق نامزدی محروم شدند. که ایشان، الحاج محمد رحیم ایوبی از سرپل و تورن جنرال حسام الدین از ولایت بغلان می باشند.

پیش از این نیز یکتن از نامزدان پیشتاز ولایت هرات به دلیل عدم استعفای به موقع از پست دولتی، از جانب کمیسیون شکایات انتخاباتی از حق نامزدی اش محروم گردیده بود.

قرار بود کمیسیون مستقل انتخابات به تاریخ ۸ عقرب لست نهایی کاندیدای برندهٔ انتخابات مجلس نمایندگان را اعلام نماید که نسبت شکایات زیاد در پروسهٔ انتخابات ۲۷ میزان، و رسیدگی کمیسیون شکایات انتخاباتی به این شکایات، معطل گردید. که به گفتهٔ کمیسیون شکایات انتخاباتی پروسهٔ رسیدگی به شکایات دو الی سه هفتهٔ دیگر را در بر خواهد گرفت.

روز جهانی ملل متحد و اهمیت آن در جهان و افغانستان

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

۲۴ اکتوبرمصادف با شصت و پنجمین سالگرد تأسیس سازمان ملل است. ازتأسیس این سازمان ۶۵ سال میگذرد، اهداف اولیهٔ سازمان ملل متحد فراهم نمودن زمینهٔ همکاری در چارچوب قوانین بین المللی، امنیت بین المللی، انکشاف اقتصادی، پیشرفت های اجتماعی حقوق بشر و دستیابی به صلح جهانی می باشد . پس از پایان جنگ جهانی دوم موجودیت این سازمان به طور رسمی در ۲۴ سپتمبر سال ۱۹۴۵میلادی از سوی کشورها به رسمیت شناخته شد و جاگزین جامعهٔ ملل شد. تا از بروز جنگ میان کشورها جلوگیری گردد. در این سازمان هم اکنون ۱۹۲ کشورجهان عضویت دارد و همه ساله این سازمان اجلاس سالانهٔ خود را تدویرمی نماید، ازجمله سازمان های که درچوکات این سازمان فعالیت می کند می توان به مجمع عمومی شورای امنیت، شورای اقتصادی واجتماعی، دارالإنشاء، محکمهٔ بین المللی عدالت، شورای سرپرستی، سازمان تجارت جهانی، برنامهٔ جهانی غذا و صندوق کودکان اشاره کرد.

سازمان ملل متحد درنشست سالیانهٔ خود، به حضورمقام های ارشد کشورها، برای بحث و برسی مناقشات مختلف جهانی ادامه می دهد، مقام های کشورها، دیدگاها، و راهکارهای خود را برای یافتن راه حل چالش های جهانی اعلام می کنند. بزرگترین بدنهٔ سازمان ملل متحد را شوری امنیت تشکیل می دهد که متشکل از پنج عضو دائمی و ده عضوغیر دائمی می باشد. احقاق حقوق بشر ازجمله اهداف اصلی این سازمان می باشد و به همین دلیل شورای حقوق بشر این سازمان با هدف ملزم کردن کشورها به رعایت حقوق بشرتاسیس گردید. کمیسیون حقوق بشر درسال ۲۰۰۶م به جای شورای حقوق بشرسازمان ملل تاسیس شد. این کمیسیون درشرایطی به فعالیت آغازکرده است که نقض آشکارحقوق بشری در جهان ازجمله: درعراق، افغانستان، فلسطین و سایر کشورها ازسوی قوت ها ی درگیر جنگ به کمیت وسیع وجود داشته. از اهداف دیگر این سازمان جهانی حمایت از توسعه درکشور های جهان است. در این راستا سازمان ملل (اهداف توسعهٔ هزاره) را برای کشورها تعیین کرده، تا دریک ضرب الأجل معین کشورها به اهداف تعیین شده، از جمله در مبارزه با فقر، محو بی سوادی و رشد اقتصادی دست یابند.

بعد از تاسیس سازمان ملل متحد، نیروهای حافظ صلح بین المللی و سازمان ملل، ساز و کارهای را به خاطر از میان برداشتن تشنج روی دست داشته است و هزینه های بسیاری را در این زمینه متقبل گردیده است، در این جا می توان از نیروهای حفظ صلح ملل متحد در سودان، سومالی، افغانستان، فلسطین اشغالی، لبنان و سایر مناطق جهان نام برد.

قرن حاضر به قرن نا امنی بین المللی شهرت دارد و به همین منظور تمام کشورها سعی و تلاش دارند تا هزینه های گزاف و انبوه را از تمام بخش های ملی خود به بخش امنیتی اختصاص دهند. سازمان ملل متحد، از بدو تاسیس خود توانسته است، کارهای مفیدی را در جهت اسکان و جابجایی مهاجران و مهاجران حوادث طبیعی در میان کشورها انجام دهند. از آغاز تشنج در فلسطین و اشغال رژیم صهیونستی اسرائیل بر این سر زمین، این سازمان کمک های انسانی و بشر دوستانهٔ خود را به این مردم ادامه داده است؛ اما در جهت حل و فصل سیاسی فلسطین و اسرائیل، این سازمان به کم کاری متهم بوده و تا هنوز دست آوردی ملموسی نداشته است. سازمان ملل متحد در مقاطع مختلف حیات خویش، کمک های بشر دوستانهٔ خود را برای مردم افغانستان کماکان ادامه داده است. بعد از اشغال افغانستان توسط اتحاد شوری اسبق، این سازمان سخاوت مندانه در کنار مهاجران افغانستانی قرار گرفت و در زمینه های مختلف به این مردم آواره، کمک و مساعدت نموده است. سازمان ملل متحد فعالیت های صلح خواهانهٔ خود را از طریق سازمان حفظ



صلح جهانی (صلح بانان) به کشورهای که با مناقشات داخلی رو برو می باشند انجام داده است. اولین فعالیت صلح بانان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ م زمانی که شورای امنیت سازمان ملل متحد دستور استقرار ناظران نظامی برای نظارت برتوافقنامه آتش بس میان اسرائیل و همسایگان عربش را صادر کرد، آغاز گردید. از آن تاریخ به بعد ۶۴ مورد از عملیات صلح بانان سازمان ملل در سراسر جهان انجام شده است. هدف اصلی این صلح بانان را ثبات و صلح کشورهای مواجه با مداخله داخلی تشکیل می دهد.

این سازمان در طی حیات خویش قطعنامه های مختلف را در جهت حفظ و ثبات سیاسی جهان، صادر نموده است، از جمله قطعنامهٔ ب۲۶۲۵ در بیست و پنجمین اجلاس سازمان ملل متحد (۱۹۷۰ م) به روابط دوستانه میان دولت ها تأکید ورزیده و برخورداری دولت ها از مداخله در امور داخلی یکدیگر تاکید می نماید. شعار عدم مداخله به نفع همه کشورها است، اصل استقلال دولت ها در برابر حقوق بین الملل اقتضا می کند که هیچ دولتی به خود اجازهٔ دخالت در کار دولت دیگر را ندهد.

منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ م بعد از ختم جنگ جهانی دوم به تصویب کشورها رسید و در آن حق مداخلهٔ دولت ها در امور داخلی کشور دیگر ممنوع قرار داده شد؛ ولی مجمع عمومی سازمان ملل یک سال بعد در سال ۱۹۴۶م افریقای جنوبی را به جهت سیاست تبعیض آمیزی که بر ضد اتباع رنگ پوست خود اعمال می کرد محکوم نمود. افریقایی جنوبی مدعی بود که دولتی است مستقل، و سیاستی که آن کشور در داخل قلمرو حاکمیت خود اعمال می کند، امری خارج از صلاحیت سازمان ملل است؛ ولی جامعهٔ جهانی این دعوی را نپذیرفت و اجازه نداد که دولت نژاد پرست افریقایی جنوبی، با توسل به حاکمیت ملی، لاف مصونیت و امنیت بزند.

مجمع عمومی ملل متحد در همان سال رژیم فرانکو را نیز تهدیدی بر صلح بین المللی تلقی کرد. این بار دولت های انگلیس و هالند به اعتراض بر خاستند. و گفتند که اجازه به رژیم داخلی یک کشور را ندارند؛ اما این اعتراض مانع از تصویب قطعنامه در محکومیت رژیم جنرال فرانکو نگردید. در سال ۱۹۵۰م سازمان ملل متحد یک گام فراتر نهاد و تصمیم گرفت در مواردی که اقدامات شورای امنیت با استفاده از حق وتو به بن بست بینجامد، در صورتی که مسئلهٔ مورد بحث تهدیدی به صلح جهانی تلقی شود، مجمع عمومی اختیار دارد که تدابیر دسته جمعی نظامی اتخاذ کند.

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به عنوان معیار مشترک برای همه مردمان و همه ملت ها اعلام می کند که تا کلیه افراد و یکایک نهادهای اجتماع آن را به خاطر داشته باشند و از راه تعلیم و آموزش در ترویج و بزرگداشت این حقوق و آزادی بکوشند و این حقوق در طی ۳۰ ماده به تصویب رسید.

از طریق مجمع عمومی ملل متحد میثاق های بین المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشتمل بر یک مقدمه و ۳۱ ماده به سال ۱۹۶۶ م به تصویب رسید. بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است. شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانوادهٔ بشر مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است. نظر به میثاق های بین المللی هر فرد نسبت به افراد دیگر و نسبت به اجتماع که بدان تعلق دارد، عهده دار وظایفی و مکلف است به اینکه در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق ها اهتمام نماید.

میثاق بین المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی مشتمل بر یک مقدمه و ۵۳ ماده در سال ۱۹۶۶م به تصویب مجمع سازمان ملل متحد رسیده است. دراین میثاق ها آزادی انسان از بند، فقر و استبداد دولت ها تضمین گردیده است. سازمان ملل متحد در جهت صلح و باز گشت ثبات سیاسی در افغانستان در سه دههٔ اخیر کشو، به ویژه بعد از اشغال افغانستان توسط قوت های خارجی اتحاد شوری وقت، فعال گردیده و قطعنامه های زیادی را مبنی بر خروج بلا قید و شرط این کشور از افغانستان، انجام داده است و از جمله مردم افغانستان را در زمان حضور قوت های اشغالگر کمک نموده است.

حضور قوت های آیساف و ناتو به اجازهٔ سازمان ملل متحد داخل افغانستان گردیده و تا هنوز این سازمان نتوانسته است صلح و ثبات دایمی را به افغانستان باز گرداند. بعد از همایش بن در سال ۲۰۰۱م جریان بازسازی نظر به توصیهٔ سازمان ملل متحد از سوی کشورهای مختلف به این کشور صورت گرفته است. با وجود این همه کمک های بشر دوستانهٔ سازمان ملل متحد مردم، افغانستان در انتظار یک صلح سراسری در کشور خویش اند. امید است این سازمان بتواند به کمک سازمان های پر قدرت خویش و همکاری کشورهای منطقه و جهان صلح و ثبات را به کشور باز گرداند.

د کرزي دولت بیا هم د ...

په استراتیژۍ کې د تورو تکو ترڅنګه له ولسمشر کرزي څخه پدې هکله د جدي اقداماتو غوښتنه وکړه او ورته یې شپږ میاشتې وخت ورکړ چې پکې باید د اداري فساد د مخنیوي لپاره کوټلي ګامونه اوچت کړي چې هغه مهال ولسمشر کرزي دغه کوټلي ګامونه یوازې داوکړای شو چې په سمبولیکه توګه د ګوتو په شمیر په اداري فساد کې د ښکېلو افردو او د نشه یې توکو د قاقچیانو پر خلاف یو څو دوسیې وڅېړي او د کابل ښار په څلور لارو کې او یا عمومي لارو کې د اداري فساد پرخلاف د مبارزې شعارونه په لوحو وخروي: او پدې ترتیب سره یې د نړیوالې ټولنې او د خپل ولس په وړاندې لمر په دوه ګوتو سره د پټولو لوبه شروع کړه او دا دی اوس د کرزي حکومت ددوهمې پلاواکمنۍ موده هم له شپږو میاشتو څخه پورته شوې ده خو د اداري فساد ناروغۍ او ناسور دومره عام شویدی چې اوس ددې ولس د فرهنګ برخه ګرځیدلې ده او په دولت کې په هره څوکۍ ګمارل کېدل ځانګړې بیه لري : له وزارت څخه نیولې په ښوونځي کې د یو ښوونکي د تقرر پورې تاکنه جلا جلا قیمت لري او دا بازار پداسې مهارت سره ګرم ساتل شوي چې شیطان ته هم داسې چلونه ندي یاد . لکه چې د کرزي دولت مافیایي کړیو ته چې ددې بازار چلولو کوم مهارت حاصل دی : له ټولو غوره او عمده بېلګه یې دادی یوه میاشت وړاندې د ولسي جرګې لپاره د ترسره شوو ټاکنو په پروسه کې له پیله تر آخره د مامورینو له تقرر څخه نیولې د نوماندانو د بریالي کولو پورې د هر کار لپاره بېلا بېل قیمتونه ورکړل شو : داسې خلک بیا په دې ټاکنو کې بریالي وګرځول شو چې ولس یې عکسونه په تیرو ولې خو اوس هغوی په خپلو ولایتونو کې مخکښان دي (!)

داسې په هره پروسه او هره ټاکنه کې د اختلاس . رشوت او درغلیو مثالونه انساني غوږونه زیږوي او له ټولو عجیبه بیا داده چې حکومت نړیواله ټولنه تورنوي او نړیواله ټولنه د کرزي دولت تورنوي خو د افغانستان له ربړیدلي ولس څخه لار ورکه ده چې څه وکړي ، هیواد پریږدي او که دغلو په کاروان ورګډ شي ؟ دولت ته غل ووایې او که نړیوالې ټولنې ته : څکه د دوی حقوق خو دواړه ترورړي او هرې ترپ کوي ولې چې د اداري فساد مافیایي کړیو تړاو یوازې ملي بڼه نلري بلکې دا یوه داسې نړیواله مافیا ده چې پکې نړیوالو غلو زمونږ د کورنیو غلو سره لاسونه سره یو کړیدي او په ګډه یې دا ولس یرغمال کړیدی خو د افغانستان د بدنامۍ احساس یوازې هغو افغانانو سره دی چې له دغه ناسور څخه کرکه لري او پدې شرمیږي چې هیواد یې د اداري فساد په لست هیوادونو کې له سومالیه وروسته د عراق سره یوځای دوهم مقام ولري: هغه مظلوم هیوادونه چې امریکا او ورسره ملګرې نړیوالې ټولنې هیوادونه یې نجات ته راغلي دي! څو دوی له ترهګرۍ (!) څخه خلاص کړي خو له ترهګرۍ څخه یې خلاص نکړای شو او دهغې د پاسه یې د اداري فساد تحفه (!) هم ورته راوړه چې دغه ویاړ هم په حقیقت کې بهرنیانو او د هغوی د اعتبار وړ د کرزي دولت ته حاصل دی .

شورای عالی صلح و نقش استاد ربانی

ادامه از صفحهٔ ۳

سیاست دولت در یک دهه اخیر، دچار نوعی پیچیدگی و ابهامات پرسش بر انگیزی بود، پیداست که شماری از شخصیتهای درون نظام هم با طالبان بودند و هم بادیگران، همانگونه که برخی نیروهای ظاهراً صلحدوست درکشور نیز در بهمزنی وداستان سازی دست داشتند و زمینه هارا مغشوش مینمودند. به مصداق قول مولانا جلال الدین بلخی " کوشش بیهوده به از خفتگی "، درچنین شرایطی همت نمودن و آغاز پروژه ی گفتمان ملی ولو با دشواری و ضعفهای آشکار؛ بازهم بهتر از بی عملی و انفعالیت محض است.

مشکل نظامداری و برخورد با مشکلات مهم و سیاست های بزرگ در افغانستان اینست که، علاج واقعه پیش از وقوع نمیشود، تدبیر و اندیشه برای مهار پیامدهای ناخوشایند و تبعات دست و پاگیر سیاسی در اقدامات "زیست باهمی و بدون تنش، هم از خشونت جلوگیری میکند و هم موجب رعایت حقوق همه مردم این مملکت میشود". این جملات جامعه شناسانه در بارهٔ اعتراف به حق شهروندی و همشهر زیستی مردم این کشور، مایهٔ نوید بوده و پایه های امید را استحکام می بخشد. دستیابی به صلح پایدار، جلوگیری ازتنشهای بین الاقوام و بین الاحزاب، ساماندهی جامعه برمبنای اصول اشتراکات و همکاری صفوف عامه در تنش زدائی و منع روشهای افراطی، تحت هر بهانه و نشانه ای که باشد، از مهمترین اولویتهای ملی و مبارزاتی آگاهان، به ویژه شخصیتهای فعال سیاسی در کشور است.

شورای عالی صلح چیست وآتیهٔ صلح درافغانستان چگونه خواهد بود؟

" الصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الأَنْفُسُ الشُّحَّ " (۱۲۸ : ۴) (« صلح » بهتر است ، و درون انسانها « شُح » (میل به زیاده خواهی و قانع نبودن به حق خویش) وجود دارد).

گفته اندکه تنوع ابزار نشانه ی بهبود کار نیست، اما نفس داشته ها نیز بسیار مهم است.

حاکمیت ملی در افغانستان دارای ساختار جامع الشرایط است، رئیس دولت در راس هرسه قوا (قوای اجرائیه، مقننه و قضائیه) قرار دارد، این دولت انتخابی است و صرف نظر از نواقص آن ، در پرتو فرمایشات قانون اساسی ایجاد شده است. اما مولفه های فراهم آوری صلح و ترتیبات حل مشکلات اقشار و افکار گوناگون -که در برابر هم دشمنی میورزند- هرگز شامل وظایف اهم دولت و یا نهادهای مشابه دیگر نگردیده بود. اصولاً این اندیشه -که نهادی باید برای گسترش زمینه های صلح موجود باشد- در زمان حاکمیت رژیم های کمونستی به صورت ناقص ایجاد گردید، ولی نبودصداقت و برخورد ناشیانه با آن به بیهودگی و نا کار آمد بودنش انجامید.

شورای عالی صلح محصول تجربیات نو در زمینه اهمیت صلح و باز شناسی اندیشه گفتمان در فرهنگ همگرانی و هموطنی ماست. این اقدام میتواند زمینهٔ گسترش جنگ ایمان و باور طرفین به روشهای حل اختلافات و صداقت دوستان و حامیان و اطرافیان افغانستان .

ایجاد شورای عالی صلح، آغاز نهادینگی جامعه برای پرورش ارزشها و پیراستن جامعه به راهکار های برخاسته از نرمش سیاسی و شکیبائی ملی است. شاید به زودی نتوان انتظار بزرگی از این نهاد داشت، ولی در دراز مدت نقش و اعتبار آن فراگیر و مردم شمول خواهدشد. شورای عالی باید شخصیتهای مهم ملی، نیکنام، مردم دوست، مومن، مسلمان، آزاده و وطنخواه را در صفوف خود جادهد و جسارت نقد کار نامه نا سودمند دولت، پذیرش پیشنهاد و ایراد طرفین مخاصمت و نیروهای درگیر را داشته باشد.

برای شورای عالی صلح پیشنهاد هایی موجود است که در صورت فراهم شدن زمینه تبادل نظر با مسئولان آن- این مفردات و مولفه ها چه در زمینه اندیشه و آئین نامه و چه در باب ساختار و برنامه آن- قرار داده خواهد شد. همینگونه امکاناتی به [illegible] عمر نمی [illegible] حتی زمانیکه حالات [illegible] و جنجال افرین جامعه را تحت الشعاع قرار میدهد. بازهم رهبران کشور و مدیران جامعه دراین باب اندیشه نمی کنند. حالت انفعالی و ناپیداری حکومتگران و فعالان سیاسی این نگرانی را تقویت می کندکه، فقدان سنجش و پیشبینی در رهبران به مثابه نماد ناتوانی و ناکار آمدی، انرژی عمومی و دلگرمی مردم نسبت به روند نظامسازی را ازبین می برد.

استاد ربانی به جا فرموده : موجود [illegible] خاطر می افریند و سهولت را فراهم میکند. گرچه دولت متمرکز متکی بر ساختار متعارف مدرن وجود دارد، ارگانهای سه گانه و ترتیبات اداری برطبق قانون اساسی و سایر قوانین منبعث از بزرگترین سند ملی به عنوان مادر نهاد جامعه؛ ساخته شده اند و تجربیات مهمی در یکدهه اخیر به طور خاص و یک سده پیش به صورت عام موجود است، اما فرهنگ و جسارت بهره گرفتن از را مهار کند و راه بهانه [illegible] و ناسازگاری نیروهای متکی به عادات خصومت طلبی و جدائی طلبی و تمامیت خواهی را ببندد. البته در صورت بی توجهی به حساسیتهای موجود این نیز ممکن است که شورای یادشده درگیر یک مغالطه و سوء تفاهم شده وموجباتی را فراهم کند که آنگاه زمینه و امکانات رسیدن به صلح دشوارترخواهدشد. پایهٔ کار ساز بودن این شورا در صداقت رهبران؛ اعضاء و فعالان شامل دراین نهاد است ودرپهلوی آن نظر میرسد که با استفاده از این انرژی و امکانات شورا قادرخواهد شد حتی دولت را نیز در زمینه پالیسی سازی و تعیین استراتژی مناسب ملی به صورت عملی یاری رساند. شورای عالی را نمیتوان تنها یک مجمع نخبگان قومی و گروهی عنوان کرد، این شورا لابد برنامه های مهم ملی تا تعیین سیاست و پالیسی عمومی دولت در عرصه های داخلی و خارجی را نیزبه عهده خواهد گرفت.

عملیات قندهار و سرنوشت...

جنگ های گوریلایی آینده داشته باشند.

علومی جنگ قندهار را جنگ زرگری تعریف نموده، افزود که تا هنوز به طور قطع برندهٔ اصلی در میدان مشخص نیست، اما آنچه که بیشتر آسیب می بیند مردمان محلی اند که از لحاظ روانی و اقتصادی ضررهای بیشتر را متحمل شده اند. باتوجه به سوال برانگیز بودن ساختار جنگ در قندهار که باگذشت بیش از یک ماه، هنوز برنده و بازندهٔ اصلی مشخص نشده است، نمایندهٔ مردم در مجلس نمایندگان تصریح کرد که به طور قطعی طرف های درگیر در جنگی که در افغانستان ادامه دارد، تنها کسانی نیستند که در میدان نظامی ظاهراً در قندهار یا جای دیگر حضوردارند، بلکه طرف های این جنگ فرا منطقه یی بوده که نقش کشورهای منطقه با درنظرداشت منافع و روابط که هرکدام یا نیروهای نظامی در افغانستان دارند و هم چنان نقش مافیایی بین المللی در این جنگ تأثیرگزار است.

درهمین حال قطب الدین هلال کارشناس مسایل نظامی و نمایندهٔ مردم بغلان در مجلس نمایندگان بدین باور است که جنگ قندهار، برای قوت های خارجی در واقع تعیین کنندهٔ راهبرد نظامی آنها در افغانستان است. وی می گوید در صورتی که قوت های خارجی در جنگ قندهار بدون دست آورد به عملیات پایان دهند، باید شکست خود را در افغانستان به طور رسمی بپذیرند.

به باور هلال، جنگ در قندهار زمانبر خواهد بود، زیرا جنگ در قندهار نسبت به مارجه تفاوت های قومی و جغرافیایی زیاد دارد. در قندهار اقوام طرفدار عملیات نظامی نیستند، از سوی دیگر جغرافیای وسیعی قندهار که مملو از درختان مثمر و غیر مثمر است، مانعی در پیش روی قوت های نظامی خارجی می گردد. به باوراین کارشناس همین پیچیدگی جغرافیایی به طالبانی که با محل آشنایی کامل دارند، سبب شده است که در بسا موارد با نیروهای خارجی تلفاتی را وارد نمایند. از سوی دیگر برخی از آگاهان به این باور اند، در شرایطی که دولت افغانستان شورای عالی صلح را به منظور آشتی با طالبان ایجاد نموده است نباید، عملیات نظامی را در قندهار به راه می انداخت. به باور آنها عملیات قندهار می تواند مانعی عمده بر سر راه روند صلح بوده باشد، اما در عین حال برخی ها به این باور اند که دولت افغانستان می خواهد با راه اندازی عملیات های مشابهی طالبان را از طریق فشار وادار به مذاکره نماید. اما از وقتی که پدیدهٔ به نام طالبان در کشور به وجود آمده تجربهٔ هر نوع گفتمان "صلح و جنگ" نشان داده است که طالبان کسانی نیستند که مذاکره و گفتگو را تحت هر شرایط بپذیرند.

حدیث جهان...

در راستای خیانت به عهد و بی وفایی نسبت به همنوع و خدا و دین قدم برداشت، به معنی آن است که وی بالای ندای فطرت و وجدان قدم گذاشته و به پست ترین مراتب سقوط کرده است.

در قسمتی از آیه سیزدهم سورهٔ مبارکه « مائده» چنین اشاره شده است:

« پس به خاطر این پیمان شکنی ایشان، آنها را لعنت کردیم و دلهای شان رابه سختی مبتلا نمودیم».

از پیامبر اکرم «صلی الله علیه وسلم» نقل شده که فرموده اند: « آن کسی که حرمت پیمان را نگه ندارد، دین درستی ندارد»

بدقولی وعهد شکنی، عواقب ناگوار و پیامد های درد باری به دنبال داشته و عامل مهم گسست اجتماعی و واگرایی می شود.

نادیده‌گرفتن پیمان ها، جز خود خواهی و بی اعتنایی به حقوق دیگران و سبک شمردن شخصیت آنها نخواهد بود.

شخص پیمان شکن هم ارزش و اعتبار شخصی خود را از دست می دهد و هم به اجتماع صدمهٔ شدیدی وارد می سازد و باعث بروز فتنه های مهلک، می گردد.

این که امروز چرا اشخاص و گروه های زیادی به چنین رذایل اخلاقی رو آورده و از پیامد های ناگوار ومنفی آن ابایی ندارند و نسبت به خشم الهی و عذاب خداوندی بی اعتنا هستند، دلیل آن عمدتاً از عدم التزام به دساتیر اسلامی و عدم آگاهی از ارزش های این آئین زندگیساز منشاء می گیرد و نمی داند که قول وقرار به عنوان بنیاد و حق اجتماعی و فضیلت اخلاقی است و شرافت انسان به عهد وپیمان آن ارزیابی می شود.

هرگاه مسلمان به این حقیقت باور داشته باشد که لازمهٔ داشتن ایمان و دین باوری پایبندی به آموزه های قرآن و ارشادات گرانسنگ پیامبر بزرگوار اسلام است، پیامبری که می فرماید! « **کسیکه فریب به کار می بندد، از مانیست**»، هرگز به دروغ و بدقولی و نیرنگ توسل نمی جوید. برای آدم سست ایمان -که نا آشنا به احکام اسلام است و آلوده به گناه- چه باک که به اثر بد قولی شیرازهٔ اجتماع سست ومتزلزل می شود ویا شخصیتش به تحلیل می رود و جامعه را به سوی رذیلت و پستی سوق و به سوی نا به هنجاری می کشاند و زمینه های ضد اخلاقی را بسط وگسترش می دهد؟

و یا جاهل چه می داند پیمان، یک امانت است و یک مسئوولیت بزرگ از سوی خدا؟

آری! هرگز نمی داند، آنچنان که نمی داند قرآن عظیم الشان فرموده است: « در نزد خدا بسیار خشم آور است که بگویید چیزی را که به آن عمل نمی کنید».

و یا آنچنان که نمي فهمد به مصداق قول پیامبر بزرگ اسلام"صلی الله علیه وسلم ": **دروغگویي و وعده خلافی و فریب دادن مردم از نشانه های منافقت است.**

زیرا،آن حضرت فرموده اند: **نشانهٔ منافق سه چیز است: دروغگویی، پیمان شکنی و خیانت در امانت!**

بحث بالا را با دعایی به پایان می بریم:

خداوند جامعه را از شر چنین آفات به دور دارد. از شر کثرت جاهلان بدقول و سوء ظن آفرینانی که فاسق شان خوانند و از فتنهٔ دروغگویان سست ایمان، که منافق شان دانند!

(آمین)

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

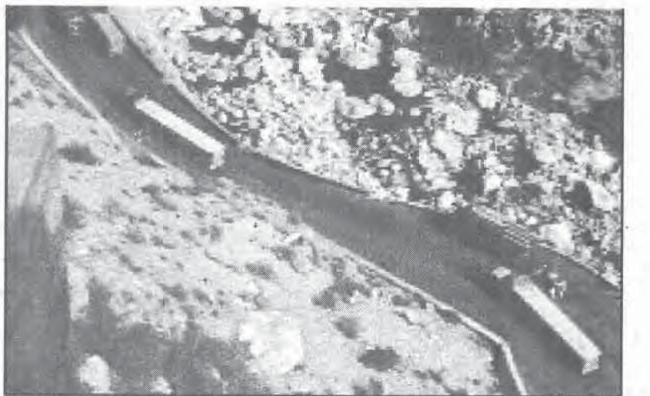
- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ بیست و هفتم ۸ عقرب ۱۳۸۹ ۲۲ ذوالقعده ۱٤۳۱ - 30 oct 2010

موافقتنامه تجاری- ترانزیتی میان افغانستان و پاکستان



افغانستان و پاکستان مهمترین موافقتنامه تجاری و ترانزیتی بین دو کشور را که پیشتر درباره آن تفاهماتی شده بود، رسما به امضا رساندند.

براساس این توافقنامه ترانسپورت باربری افغانستان اجازه خواهند یافت به بندرهای مهمی در داخل پاکستان بروند. در مقابل افغانستان نیز تسهیلات فراوانی برای صدور کالاهای پاکستانی به اسیای میانه در نظر می گیرد.

وزیران تجارت افغانستان و پاکستان سرانجام سندی را در کابل امضا کردند که مهمترین موافقتنامه تجارتی، ترانزیتی میان دو کشور در ۶۰ سال اخیر خوانده شده است. دو کشور سال ها برای رسیدن به چنین توافقی گفتگو کردند.

مقام های کشور، امضای این توافقنامه را یک دستاورد تاریخی برای دو کشور همسایه توصیف کرده گفته اند: "این موافقتنامه به نفع هردو کشور است. پاکستان یک راه ترانزیتی مهم برای افغانستان است. افغانستان هم می تواند یک راه ترانزیتی عمده برای پاکستان باشد."

براساس قرار داد تازهٔ دو کشور، پس از این تسهیلات فراوانی برای یکدیگر در زمینه تجارت و ترانزیت قایل می شوند. هزینه های گمرکی و ترانزیتی پایین می آید و زمینه های اشتغال فراوانی نیز در هردو کشور ایجاد خواهد شد.

به گفتهٔ وزیر تجارت افغانستان این توافقنامه نه تنها به نفع دو کشور همسایه است، بلکه به رونق اقتصادی منطقه نیز کمک می کند.

وزیر تجارت پاکستان، ابراز امیدواری کرد که دو کشور هرچه زودتر مرحلهٔ اجرای توافقنامه جدید را شروع کنند. وی گفته است: "پاکستان یک کشور مسئول است. ما وظیفه خود می دانیم که برای تقویت روابط منطقه یی، بهبود زندگی مردم، امنیت و اینده نسل های مان کار کنیم."

عملیات قندهار و سرنوشت نامعلوم جنگ

گزارشگر عنایت



نه سال از حضور نیروهای خارجی در افغانستان می گذرد، عملیات زیادی از سوی این نیروها در همکاری با نیروهای امنیتی افغانستان صورت گرفته است، اما هیچ کدام به مانند عملیات قندهار بر خوردار از پیچیدگی و توأم با نوسانات نبوده است. به نظر می رسد زد و بندهای سیاسی، قومی و گروهی در ارتباط با این عملیات وجود دارد. به همین سبب دیده شده است که عملیات در قندهار با پیش شرط هایی زیادی به راه انداخته شد. چندی پیش حامدکرزی، رئیس جمهور، در سفری که به قندهار داشت به سران قومی این شهر گفته بود که عملیات آینده در این ولایت، توسط نیروهای خارجی انجام نمی شود. به گفتهٔ رئیس جمهور کرزی، این عملیات توسط ارتش ملی، پلیس ملی و نیروهای امنیت داخلی صورت می گیرد.

اما دیده شد که عملیات قندهار مانند عملیات مارجه در هلمند، به طور مشترک با نیروهای ائتلاف بین المللی صورت گرفت. جزال ظاهر عظیمی سخنگوی وزارت دفاع ملی گفته بود، رهبری این عملیات بر عهدهٔ نیروهای اردوی ملی بوده در هماهنگی با قوت های خارجی به پیش می رود.

وی موفقیت این عملیات را ناشی از همکاری همه جانبهٔ مردم خوانده افزوده، این عملیات در هماهنگی و مشورت با متنفذین و مردم محل آغاز و انجام خواهد یافت.

عظیمی افزود در این عملیات به میزان قابل توجهی از تلفات غیرنظامی جلوگیری شده که این مسئله رضایت مردم را درپی داشته است. جنرال دیوید پتریوس، فرمانده ارشد نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان اوایل هفتهٔ گذشته با ذکر این مطلب در کابل اظهار داشت: عملیات در ولسوالی های ژیری و پنجوایی ولایت قندهار، که یک ماه پیش آغاز شده بود و صدها سرباز امریکایی، کانادایی و افغانستانی در آن حضور دارند، با سرعتی بیش از آنچه که پیش‌بینی می‌شد، به پیش می‌رود.

پیشرفت نظامی در مناطق غربی شهر قندهار، بخش مهم نقشهٔ جنرال پتریوس است. ارزیابی‌های ناتو در خزان سال جاری نشان می‌دهد که نیروهای بین‌المللی و افغانستانی، پس از سال‌ها از دست دادن میدان نبرد در مقابل طالبان هم اکنون در قندهار میدان جنگ را در دست گرفته‌اند. اما جنرال نور الحق علومی نمایندهٔ قندهار در مجلس نمایندگان می گوید: موفقیت های نظامی نیروهای ائتلاف و قوت های افغان، ناشی از برتری نیروهای آنها در جنگ نیست، بلکه برعکس طالبان برخی مناطق را به طور تاکتیکی رها نموده به جا های پناه بردند که هم نیروهای خود را از تلفات احتمالی نجات دهند و هم آمادگی های لازم برای

ص۷

افزایش ارزش پول افغانی یا تثبیت جایگاه هویتی

نذرالله عنایت

پول افغانی طی سال های اخیر از اهمیت وجایگاهی خوبی در بازار افغانستان برخور دار گردیده است.

ثبات پول خودی، در بازار های کشور مایهٔ امید واطمینان شهروندان شده است، اهمیت پول افغانی در بازار های کشور زمانی محسوس می شود که به طور قطع ثبات ارزشی آن نسبت به سایر اسعار بیرونی در حال حاضر توأم با نوعی نوسانات وتحول نیست. زمانی دالر امریکای وحتی کلدار پاکستانی در نزد شهروندان از جایگاه باثبات تری بر خوردار بود و همه سعی داشتند تا اوراق بها دار خود را در بازار ها به پول های مذکور تبادله نمایند. اما امروز این قضیه بر عکس بوده، کسانی که در افغانستان زندگی می کنند و یا در داخل کشور مصروف کار های بازرگانی اند کوشش دارند، به پول ملی اهمیت بیشتر قائل شدهٔ در دادوستد وهمچنان پس انداز و باز پرداخت های بانکی خود از آن استفاده نمایند.

دلایل عمدهٔ که پول رایج کشور را ثبات بخشیده است، سیاست های بانکی مبتی بر حقایق جامعه و تقاضای مردم نسبت به آن است. رشد رونق بازرگانی وتبادل کالاها با دنیای بیرونی در فرایند با اهمیت ساختن پول رایج کشور نقش اساسی دارد.

ایمل عاشور سخنگوی بانک مرکزی (دافغانستان بانک) معتقد است که افغانستان امروز دارای یک سیستم بانکی منظم می باشد، این سیستم بانکی توانسته است، بازار ارزی را در کشور وجاهت بخشد. او می گوید: هر گاه حجم پول از اندازهٔ تولید یک کشور بیشتر باشد، باز هم پول بی ارزش می باشد، واگر کمتر باشد [illegible] هر دو صورت نتایج [illegible] (انفلاسیون ودیفلاسیون) به وجود می اید.

اقای عاشور تصریح کرد: با بکارگیر ی راهکارهای مناسب با گذشت هر روز اعتماد پول افغانی در بازار های کشور بیشتر شده است.

سخنگوی بانک مرکزی با بیان این که سطح ذخایر ارزی افغانستان سیر صعودی دارد، افزود، در سال ۱۳۸۱ هفتصد میلیون دالر ذخایر ارزی داشتیم. درحالی که امروز این مقدار به چهار عشاریه هفت میلیارد دالر رسیده است. موجودیت ذخایر ارزی افزایش تولید و رشد تجارت به خارج کشور، به اهمیت پول افغانی کمک کرده است.

زمانی پول افغانی در سطح منطقه کم ارزشترین پول و دارایی نوسات قابل توجه در داخل کشور بود، اما امروز این پول از اعتباری خوبی ملی وحتی منطقه یی بر خوردار است.

حاجی شاه محمود، رئیس اتحادیهٔ صرافان در سرای شهزاده، یا مرکز اصلی تبادلهٔ اسعار، دلیل عمدهٔ افزایش ارزش افغانی را در برابر دالر، فروش بیش از حد دالر از سوی بانک مرکزی در بازار های پولی کشور می داند.

ارزش یابی پول رایج کشور منجر به کاهش و افت برخی اسعار خارجی از جمله دالر امریکایی وکلدار پاکستانی شده است.

قیمت یابی پول افغانی از یک طرف باعث خوشی شهروندان کشور شده است از سوی دیگر برخی ها از این وضعیت نگرانند و می گویند، اگر این بلانس در دراز مدت درست نگهداری نشود، احتمال ریسک های اقتصادی بیشتر نیز وجود دارد. به باور برخی از کارشناسان عرصهٔ اقتصاد افغانستان، در حال حاضر زیر بناهایی تولیدی برای توسعهٔ اقتصادی از خود ندارد و بیشترینه متکی بر کمک های خارجی می باشد و در صورتی که ارز خارجی افت چشمگیری داشته باشد تأثیر منفی خود را بالای اقتصاد افغانستان نیز دارد. در همین حال با آنکه نرخ پول افغانی در برابر اوراق بهادار کشورهای بیرونی ازچشم انداز بهتر برخوردار است، اما نرخ مواد مصرفی و دیگر کالاهای تجارتی که عمدتا از خارج وارد می شود در بازار های کشور سیر صعودی دارد.

آگاهان امور اقتصادی معتقد اند به هر اندازه که کشور به مرحلهٔ ثبات سیاسی و امنیتی دسترسی پیدا کند رشد اقتصادی رونق بیشتر می یابد. پولی که به حیث وسیلهٔ مبادله ازآن استفاده می شود، به همان اندازه از اهمیت بیشتر برخور دار می باشد.

طی سال های اخیر حجم دادوستد در ولایاتی جنوبی وشرق کشور به کلدار پاکستانی، موجودیت پول افغانی را کمرنگ ساخته بود. اما سخنگوی بانک مرکزی ضمن تأیید حضور کلدار پاکستانی در مناطق یاد شده تصریح کرد که، واقعیت های موجود در برخی از مناطق کشور ناشی از رسوبات گذشتهٔ تجارتی و کم ارزش بودن پول افغانی در شرایط خاص بود که این روند با گذشت هر روز دچار تحول است و بانک مرکزی مصمم است تا پول افغانی جایگاه از دست رفته خود را به سطح کل کشور دریابد.

آگهی

دفتر هفته نامهٔ مجاهد از بهارستان به چهارراه دهمزنگ، به استقامت سرک دارالامان، دست چپ، نرسیده به هوتل کابل شاهان، انتقال نموده است. خوانندگان عزیز مطلع باشند.

ادارهٔ هفته نامهٔ مجاهد